

دفتر دوم

زنان سخنور

ارپدهز او زمان پیش تا امروز
که بزبان پارسی سخن گفته اند

تالیف:

علی اکبر - مشیر سلیمی

چاپ اول

تهران - بهمن ماه ۱۳۳۵

حق چاپ و اقلید محفوظ و مخصوص است به :

مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی

۹۲۰۵

ز

ماخذ این دفتر

گلدسته سوسن (نسخه خطی)	آتشکده آذر
گلچین جهانی لطائف المعارف	آذربایجان تا پروین
مادرخشان مواد تحقیق در مذهب بهائیه	اسیر
مرآت الخیال مشاهیر النساء	المعجم فی معاییر اشعار المعجم
مجالس النقائس	الهی نامه
در مشهور شمع انجمن	بهترین اشعار
صبح گلشن طیور حکیم	تاریخ ادبیات ایران (ادوارد براون)
نشر عشق مخزن الدرر	(دکتر صفا)
نگارستان نفحات الانس	(دکتر...
کاف	تاریخ جهانگشای جویشی
ظهور حق	تاریخ عضدی
مغنی	تاریخ گزیده
فتنه بار	تذکرة الشعراء و دانشاء سمرقندی
یکصد	تذکرة النساء (اردو چاپ دهلی)
اتحاد ملر	تذکرة الخواتین
ارمنان	تذکرة حسینی
آژنگ	تذکرة روزروش
امید	تذکرة لیالیال
آینده	تذکرة عرفات
بهار	تذکرة مجمع العسقاء
دبستان	تذکرة ریحانة الالباب
تهران	تذکرة مجمع محدود
دانشکده	تذکرة سخنوران معاصر (محمد اسحاق)
دنای جدید	جامی
اندنیا (نامه هفتگی تهران)	حبیب السیر
خوشه (نامه هفتگی تهران)	دانشندان آذربایجان
...	حقوق زن در اسلام
...	دیوان پروین اعتصامی
...	رشحه
...	حیران (نسخه خطی)
...	فرخنده ساوجی
...	ملولی
...	مہستی
...	والیه
...	مستوره کردستانی
...	رقص یادها
...	سبط العلاء للحضر العلیاء
...	سفینه فرخ
...	شعر المعجم
...	شمر در نیمه قرن نهم فارسنامه ناصری

دفتر دوم

زنان سخنور

از یکدهه از سال پینتر تا آخر روز
که بزبان بانوی سخنور گفته اند

تألیف

علی اکبر - مشیر سمیع

چاپ اول

نهران - بهمن ماه ۱۳۳۵

حق چاپ و تقلید محفوظ و مخصوص است به :

مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی

فهرست

دفتر دوم زنان سخنور از حرف (ف) تا حرف (ی)

صفحه		صفحه	
۱۰۵	۱۳۲ - کنیز فاطمه		دیباچه
۱۰۶	۱۳۳ - کوکب شیرازی		سخنر کوتاه در چگونگی
۱۰۶	۱۳۴ - کوکب	۵	زندگانی و پیشرفت زنان جهان
۱۰۷	۱۳۵ - کوکب خراسانی		ولیران
۱۰۸	۱۳۶ - کوکب غفاری		<u>بند (ف)</u>
	<u>بند (ح)</u>		
۱۰۹	۱۳۷ - گنایبگم	۱۷	۱۱۵ - فاطمه خراسانی
۱۱۰	۱۳۸ - گلبدن	۲۰	۱۱۶ - فاطمه سلطان
۱۱۰	۱۳۹ - گلبن	۲۲	۱۱۷ - فاطمه قوال
۱۱۰	۱۴۰ - گلچهره	۲۵	۱۱۸ - فانی
۱۱۱	۱۴۱ - گلشن	۳۱	۱۱۹ - فتاة النساء بیگم
۱۱۱	۱۴۲ - گوهر بیگم	۲۲	۱۲۰ - فخری قاجار
۱۱۲	۱۴۳ - گوهر	۳۳	۱۲۱ - فخری (ارغون)
۱۱۹	۱۴۴ - گیت	۳۹	۱۲۲ - فرخنده
	<u>بند (ل)</u>	۴۶	۱۲۳ - فروغ فرخزاد
۱۲۱	۱۴۵ - لطیف	۶۶	۱۲۴ - فروغ مبردا مادی
۱۲۲	۱۴۶ - لعبت	۶۹	۱۲۵ - فصیحه
۱۳۷	۱۴۸ - لقا		<u>بند (ز)</u>
	<u>بند (م)</u>	۷۰	۱۲۶ - قره‌العین
۳۳۸	۱۴۷ - ماه تابان	۹۹	۱۲۷ - قدسیه لایق
۱۳۹	۱۴۹ - ماهرخ	۱۰۰	۱۲۸ - قمر آریان
۱۵۱	۱۵۰ - ماه طلعت	۱۰۲	۱۲۹ - قمر قاجار
۱۵۲	۱۵۱ - ماه لقا		<u>بند (ک)</u>
۱۵۳	۱۵۲ - ماه منیر	۱۰۳	۱۳۰ - کسمائی
۱۵۴	۱۵۳ - ماهی خانم	۱۰۵	۱۳۱ - کامله بیگم

صفحه

صفحه

۳۱۷ ۱۸۲- مینو امانی

۱۵۵ - معجوبه

۳۲۱ ۱۸۳- مینو میرقنبری

۱۵۵ - مخلدومه

بند (ن)

۱۵۷ - مخفی

۳۲۲ ۱۸۴- نسائی

۱۵۷ - مریم خانم

۳۲۳ ۱۸۵- نوالهیدی

۱۵۸ - مریم ساوچی

۳۵۳ ۱۸۶- نورجهان

۱۵۹ - مریم صور ساوچی

۳۶۷ ۱۸۷- نوالی

۱۶۰ - مستوره

۳۶۸ ۱۸۸- نورسیاره

۱۶۱ - مستوره کردستانی

۳۷۲ ۱۸۹- نیر سعیدی

۱۶۲ - مشتری

۴۷۳ ۱۹۰- نوش

۱۶۳ - مصاحب

۳۷۴ ۱۹۱- نهانی کرمانی

۱۶۴ - مطربه

۳۷۶ ۱۹۲- «امفیانی»

۱۶۵ - مگری نژاد

۳۷۶ ۱۹۳- «انگیز آندی»

۱۶۶ - ملوک حسینی

۳۸۷ ۱۹۴- شیرازی

۱۶۷ - ملولی

۳۷۸ ۱۹۵- نیمتاج

۱۶۸ - ملنگ قاجار

بند (و)

۱۶۹ - ملنگ گرجی

۳۸۰ ۱۹۶- وانیه

۱۷۰ - منیر

۳۸۳ ۱۹۷- وزیر

۱۷۱ - منیوه

بند (ه)

۱۷۲ - مهرادفع جهانبانی

۳۸۴ ۱۹۸- هلال

۱۷۳ - مهری مؤمن

۳۹۰ ۱۹۹- عمار

۱۷۴ - مهری

۳۹۲ ۲۰۰- همدانی

۱۷۵ - مهستی

بند (د)

۱۷۶ - مینکامه

۳۹۳ ۲۰۱- پاسور

۱۷۷ - مهین

پیوست

۱۷۸ - مهین اسلامی

۳۹۴ دوشهر دیگر از پریش گیبانی

۱۷۹ - مهیندخت دارائی

۱۸۰ - مهین سکندری

۱۸۱ - مینا امامی

۳۱۴

دیباچه

چگونگی زندگانی و پیشرفت زنان جهان و ایران

چنانکه در دیباچه دفتر اول نوشتیم که در دفتر دوم از چگونگی زندگی زنانی و پیشرفت زنان جهان بویژه زنان کشور ایران سخن خواهیم گفت ، اینت پیش از بکار بستن آن ، بچگونگی خوی و منش خود زن میپردازیم که کیست و دیگر گونی راه و روش آن با مرد چیست ؟

زودتر از همه باید دانست که زن حساس تر از مرد است و بیشتر از او مهر میورد . زن با اینهمه مهر و عاطفه ، سخت کینه جو و انتقام گیر میباشد . پزشکان بر آنند که تکوین عقل زن مانند تکوین عقل مرد است . آمار نیمارستانها نشان میدهد که آمار مردان دیوانه بر زنان فزونی دارد .

دانشمندان گویند که زن شجاعتی از مرد است ، چه مرد شجاعت خود را با گذشت زمان از دست میدهد ولی زنان با سختی کشیدن و رنج دیدن پس از چندی شجاعتی ودلیر تر میشوند .

زن عادتاً نظر صائمی دارد ، گرچه اندکی در اظهار نظر کند است . زن برخلاف مرد بی اندازه شام و تردید دارد ، هرگز گذشت نمیکند و دارای وقت زیادی هم هست که در باره گفته ها و کارهای خود بیندیشد و راست و دروغ آنرا خود بشناسد .

حافظه زن نیرومندتر از حافظه مرد و در آزمایشها دیده شده که از مرد بیش جسته است . مرد در فن دروغگویی و فریب دادن بیای زن نبرد ولی زن زیاد از این حربه با تردستی استفاده نمیکند . برعکس مرد با وجود ضعف حيله و ندانستن راه های فریب دادن ، بسیار دروغ میگوید و همیشه کوشاست که فریب دهد و این صفت را برای سیاست ، خوب میدانند !

زن برای سیاستمداری شایسته تر از مرد است ، زیرا کمتر از مرد در تشخیص خود خطا میکند و دوست حقیقی خود را خوب میشناسد . زن فرمانروایی و دستور دادن را دوست میدارد ، در امریکا به آزمایش پیوسته که کارگران زن و مرد ، سرپرستی زن را بر سرپرستی مرد برتری میدهند ، زیرا فرمانروایی و سرپرستی مرد با ایرادها و تمیضهای ناروا و دست اندازیهای دور از انصاف و داد آمیخته است .

زنان برخی از قبیله های آفریقا کار مردانرا میکنند و مردان روزیخوار اویند و زنان

بر مردان سر پرستی مینمایند چنانکه زن سراسر روز در پیشه‌ها کار میکند و مرد در اتاق آرایش یا انتظار زن نشسته است .

همچنین زن در بکار بردن دست و پای خود تندتر و چالاکتر از مرد است ، نازکی انگشتان زن نه تنها او را بکارهای دوزندگی ، مدیله دوزی و برودری دوزی توانا میسازد بلکه در کارهای دیگر مانند ماشین نویسی ، منبت کاری ، ابریشم دوزی و هنرهای زیبای دیگر کمک میکند .

اینک بی مناسبت نپیدانند که گفته‌های چند تن از بزرگان دانش و ادب را نسبت بزنان بر زبان آرد تا شناخت زن را بهتر روشن سازد :

زن تاج آفرینش است (هرودت) . همه تاجهای شاهان جهان در برابر تاج موهای زن که بر نازک سرش میدرخشد ارزشی ندارند ، اما اگر زن رباکار باشد چنانست که با دست خود این تاج را سرنگون سازد . (الیوت) . زن بهترین و آخرین تحفه آسمانست . (میلتون)

زن یگان و جودی است که حقیقت عشق پاك را میشناسد (شیلر) . زن ، تو آنی که میخواهم دار و ندار خود را بیای تو نثار کنم (شکسپیر) . همه اندیشه های مرد بینک مهر زن نمیآرزد (ولتر) . در زن هوش و در مرد قریحه بیشتر است . آنچه را که زن با چشم دقت و بررسی مینگرد مرد با دیده تعقل و اندیشه میبیند (روسو) .

زن فرشته ایست که در پیچگی بر سنار ما ، در جوانی کام بخش ما ، و در پیری تسلیمت ده ماست . زن ، توای فرشته زمینی . تو دلرباترین آفریده آسمانی ، تو یکتا بر نوی هستی که میتوانی زندگی ما را روشن سازی (لامارین) .

زن آفریده ایست که در اول لطیفترین و صمیمیترین فضیلت هارا میتوان پیدا کرد . (جونسون) . زن مخلوقیست که عمیقتر می بیند و مرد آفریده ایست که زورتر می بیند ، جهان برای مرد پاك قلب است و قلب برای زن پاك عالم است (گرایه) . هر کس نتواند زنی را اداره کند میتواند پاك ملت را اداره کند (بالزاک) .

حالا ببینیم که زندگانی زنان و پیشرفت آنان در گذشته و حال چگونه بوده است ؟ داستان حقوق زنان در تاریخ بسیار جذاب و شنیدنی است . زیرا گاهی جنبه افراط و تفریط پیدا میکند . مثلاً : زمانی زنان در شمار اشیاء بشمار میرفتند و زمانی دارای مزایا و شخصیت قابل توجهی میشدند که از هر حیث شایستگی خود را در پدید آوردن سازمانها و بنگاههای بزرگ نشان داده اند در حالی که زمانی صورت درماندگان را داشتند .

ناگفته نباید گذاشت که در برخی مورد ها مردان در استوار ساختن حقوق زنان کامهای بلندی بر میداشتند و زمانی خود زنان برای بدست آوردن حقوق خود کوشش میکردند .

زن در مصر

زن مصری در روزگار باستان در داری خود همه گونه حق تصرف داشته و مرد هم

میتوانسته زنان دیگری اختیار کند. در عین حال روابط عشق و محبت در مصر باستانی با پاکترین و والاترین احساسات همراه بوده و بدرجه ای میرسید که مرد زن خود را خواهر و زن، شوهر خود را برادر مینامیده و احترام پدر و مادر در میان مصریان از واجبات بوده است.

زنان مصری کوششهایی کرده اند که با مردان در يك عرض باشند. عروسی يك پیمان دو طرفی بشمار مبرفت که حقوق و تکلیف هر دو را تعیین میکرد و وظیفه هائی بردوش هر کدام میگذاشت و حتی رهایی (طلاق) برای زن در صورتیکه مرد نخواهد و زن بخواهد پیش بینی کرده بود. در گروه کشاورزان زن کارهای سنگینی ندارد. پارچه بافی و خانه داری و رسیدگی به ساسها و خرید و فروش میپردازد. اما مردان کارهای سنگین را انجام میدهند و همین امر تقسیم کار، خود دلیلی بر تساوی حقوق زن و مرد بشمار میرود.

زن در یونان باستان

در یونان باستان بویژه نزد قوم (اسپارتیات) و (پلوستین) زنان ارزش جانوران را داشتند که خرید و فروش میشدند. پس از آنهم که پیشرفتهائی گردید تازه پدر حق داشت دختر خود را بهر کس که میخواهد بدهد و حتی حق مرگ و زندگی دختر را دارا بود و اگر خانواده ای پدر خود را از دست میداد، مادر و دیگران باید از برادر بزرگتر فرمانبری کنند زیرا بزرگی خانواده در انحصار مردان بود.

تعمیر یونان باستان را بدرستی چند دانشمند بزرگ پایه گذاری کردند و از آنگونه پیش بیرون آوردند. اگر (گزیفون) حکیم هواخواه زنان بود (افلاطون) با نظریه او سازگاری نداشت. (ارسطو) بدلیلهائی زنان را پائین تر از مردان میدانست و بر آن بود که پرهیزگاری زن بالاترین چیزهاست که میتواند باو مقام ابدی بخشد و این تفوی ضروری است و ضرورت آن اینست که زن پست تر از مرد باشد ولی در آینده که آزادی حقوق زنان داده شد میتوان گفت تا اندازه ای بشکل يك عادت این کار انجام پذیر گردید.

زن در روم باستان

در روم باستان شرایط زندگی زنان بستگی بزمانی داشت که در آن بسر میبردند و همچنین وابسته بزندگانسی خانوادگی یا زناشویی آنان بود. زنان در زندگی خود آزادیهای اصولی مانند توجه بفرهنگ را داشته و حتی در جدائی (طلاق) حق زن با بر جای بود و این نظریات که (سیسرون) و (تاسیت) و (کاتن) از لحاظ حفظ اصول، زنان را پشتیبانی میکردند. سرانجام (سنک سنک *Sénèque*) در سده ای که مزیت آزادی زنان را گواهی کرد ولی افزود که زنان از نظر فلسفی کمتر از مردان گنجایش دارند.

بزرگترین پیشرفت زنان

بزرگترین پیشرفتهای برای آزادی زنان از سده دوازدهم در کشورهای دریای سپید (مدیترانه) آغاز گردید یعنی برای زنان حقوقی قائل شدند. زنان توانگران و

شاهزادگان در کارهای همگانی و فرهنگی زمان خودشان دست زدند. در ایتالیا بویژه در شهر (پردانس) و (لانگیک) زنان شعر میسرودند بزبان لاتین سخن میگفتند و حتی چند تن از آنان برداشته‌ها درس میدادند.

در سده چهاردهم زنان نامداری در دربار ملکه (ژان دو ناپل) دیده میشوند که براسنی مایه سرفرازی زمان خودشان بوده‌اند. (کریستین دو پیزان **Christine de pisan**) دختر پزشک و فلکی دان شارل پنجم پادشاه فرانسه شهرت فراوان در سایه اثرهای نمایان شعری و نثری خود بدست آورد و یکی از آثار او بنام «کوی و پایگاه زنان» است که در آن از لزوم برابری زنان با مردان دم میزند.

در میان زنان نامدار سده شانزدهم در ایتالیا (آنول دو برسیا **Angèle de Breccia**) و در فرانسه (مارگریت دو نوار **Marguerite de Navare**) خواهر عرانبوی اول و (مارگریت دو والوا **M. de Valais**) همسر هانری چهارم و دوشیزه (گورنای **Gournay**) دختر خوانده (مونتن **Montaigne**) و نویسنده قرارداد تساوی حقوق زنان و مردان - در انگلستان و در افسانگی دو شاهزاده نامی (الیزابت تودور **E. Tudor**) و ماری استوارت در شمار زنان نامدار جهان بشمار میروند.

یک سده دیگر در کشور فرانسه زنانی پیدا شدند که در سیاست نقش موثری را بازی کردند. برخی دیگر اثر شایانی روی ادبیات گذاشتند و جسته گریخته گفتگوهایی درباره حقوق زنان پیش کشیدند. در حقوق فرانسه و انگلیس زنان پیوه با شوهر نکرده حق داشتند بکارهای قضائی مانند مردان دست بزنند اما پس از زناشویی این حق را از دست میدادند. در انگلستان نام (ماری استل) مؤلف آثاری که برابری حقوق زنان و مردان را آباد آور گشته در اجتماع با احترام برده میشد. پس از او (الیزابت مونتاکو) و (جناح مور) با نوشته‌ها و آثار خود قدرت اجتماعی زنان را نیرو بخشیدند و بانومی بنام (ماری ولستنگرافت **Mary Wollstanecraft**) یکی از آثار خود را در سال ۱۷۹۲ میلادی درباره حقوق اقتصادی و شروط تساوی حقوق زنان و مردان در اجتماع و سیاست بویژه کارهای همگانی برشته نگارش در آورد.

در سده هجدهم در فرانسه پیشرفت شایانی، این روش نمود ولی اندیشه‌ها روشن تر شد. زیرا پس از آن انقلاب کبیر فرانسه پدیدار گردید و در انقلاب ۱۸۸۹ بود که زنان برای نشان دادن آرمانهای اجتماعی خود دست بکار شدند. جنبش زنان بوسیله (الپ دو گوز **Olympe de Gouge**) که اعلامیه بسیار فصیحی درباره حقوق زنان بخش کرد آغاز گشت:

«زن، آزاد بجهان میآید و مانند مردان حقوق مساوی باید داشته باشد و شرط سعادت، همکاری زنان و مردان است. قوانین باید برای آنان مساوی باشند و زنان حق دارند بر کرسیهای خطابه و صفاهای تماشایان بالا بروند.» متأسفانه این بانوی ارجمند در سال ۱۷۹۳ بوسیله گیوتین کشته شد.

فرانسه هنگام جمهوری سوم نهضت زنان رو بهزونی گذاشت و در ۱۸۸۰ زنان برای شرکت در انتخابات کوششها کردند و پیشنهادهایی داشتند. اما تا پایان این قرن هیچگونه نتیجه مثبتی از فعالیت‌های خود نگرفتند. در اثر این کوششها در برخی از مجامع عمومی آزاد عضویت یابند. در همین زمان در انگلستان بر پیشرفت زنان افزوده شد و یکی از نویسندگان بزرگ آنکشور یکی از آثار خود را درباره دفاع حقوق زنان اختصاص داد و این کار تأثیر بسیاری برای جنبش حق طلبانه زنان داشت و همین نویسنده در مجلس شورای ملی انگلستان سال ۱۸۶۸ هنگام گفتگوی درباره قوانین انتخابات پیشنهادی داد که واژه «هر مردی» به «هر کسی» تبدیل شود و در اعلامیه حقوق بشر که سال ۱۹۴۸ تصویب گردید واژه «هر کسی» بکار رفت پیشنهاد پیش گفته پذیرفته نشد و با رأی در برابر ۸۶ رأی رد شد ولی کوشش زنان برای بدست آوردن حقوق خود آتقدیر ادامه یافت تا سرانجام حق انتخاب را بدست آوردند.

سده بیستم پیروزی حقوق زنان را در بیشتر کشورها نشان میدهد. در انگلستان پیشرفت رأی خواهان در انتخابات بوسیله دوتن بنام (گریستابل پانگورست) و (آنی کنی) که بسختی مبارزه میکردند ادامه داشت تا سال ۱۹۰۲ که پیشرفتهای شایانی کردند، زیرا پیایی تبلیغ‌های دامنه داری میکردند و سخنرانی مینمودند. در مجلس شورای ملی به نخست وزیر بدگویی کردند، شیشه‌ها را شکستند و صندوق‌های نامه‌ها را از میان بردند و هنگامیکه بازداشت شدند اعتصاب غذا کردند تا سال ۱۹۱۸ که حق رأی دادن بزنانی که بیشتر از سی سال داشتند داده شد و این قانون در سال ۱۹۲۸ تکمیل گردید و قرار بر این شد که زنان نیز مانند مردان در سن قانونی بتوانند رأی بدهند، در فرانسه میان سالهای ۱۸۹۸ و ۱۹۲۲ زنان شوهردار توانستند حقوقی از جمله نگاهداری ملیتی که دارند با کارهای مربوط بدستمزدهایشان و امور قضائی برای خود بدست آورند و عضویت شورای مشترک کارفرمایان و کارگران را جهت حل اختلاف پیدا کنند. در جمهوری چهارم فرانسه کلیه حقوق و مزایائی که برای مردان شناخته شده بود برای زنان نیز شناخته شد چنانکه امروزه حقوق سیاسی و مدنی مربوط بمردان درباره زنان نیز بکار میرود.

در آمریکا نیز اندکی پس از پایان جنگ اول بین‌المللی، زنان حقوق سیاسی و اجتماعی خود را بدست آوردند و در قوانین اساسی آنرا حفظ کردند. در مبارزه‌هاییکه زنان برای بدست آوردن حقوق خود کردند بیشتر باید پس از جنگ اول بین‌الملل بآن اشاره کرد، زیرا پیش از ۱۹۱۴ تنها در چهار کشور استرالیا، فنلاند، زلاند جدید و نروژ، زنان حق رأی داشتند ولی در سال ۱۹۱۸ نزدیک ۱۳ کشور این حقوق را بزنان دادند.

میان سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۴۵ نزدیک ۳۴ کشور، حق رأی بزنان دادند و در چهار سال اول ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱ تنها در ۱۲ کشور این حقوق را بزنان داده بودند در سال ۱۹۴۹ - از ۵۹ کشور عضو سازمان ملل متحد، ۵۲ کشور، حق رأی زنان را دادند ولی

مناسفانه هنوز در برخی از کشورها حق رأی انحصار مردان است.
پس از سال ۱۹۴۶ سازمان ملل مبارزه‌های بسیاری برای حفظ حقوق زنان کردند
و از اینرو در ۶ نوامبر ۱۹۵۲ کشور لبنان نیز حق رأی بزرگان داد و در انتخابات، زنان بیشتر
از مردان رأی دادند یعنی ۳۹۵ هزار رأی زنان و ۳۸۵ هزار رأی مردان بود.

در نیم سده اخیر زنان نقش مهم و مؤثری در امور عمومی، شئون اجتماعی و سایر
شغلهای آزاد داشتند، در برخی از کشورها پستهای مهمی در وزارتخانه‌ها و کارهای
سیاسی بدست آوردند. باید گفت که زنان در همه این کارها و وظیفه‌های خود را بخوبی انجام
دادند و اکنون بیشتر کشورهای جهان حقوق اجتماعی زنان را برسبب شناخته و سازمان
ملل کوشش دارد که ارزش زنان را در اجتماع نگاهداشته و بدون توجه به نژاد، کلبه حقوقی
و آنکه برای مردان مقرر است برای آنان بپذیرد و در فعالیتهای همگانی از وجود زنان و
شرکت ایشان برای پیشرفت بشریت استفاده نماید.

تا اینجا گفتگو از پیشرفتهای زنان در اروپا و آمریکا بود. اینک بجاست که نگاهی
هم بقاره آسیا شود و به پیشیم در این بخش بزرگ از جهان، زنان در چه حالی بوده‌اند
ولی برای دوری از درازی سخن تنها به چگونگی زندگانی زنان ژاپن و هندوستان یعنی
دو کشور بزرگ آسیا و بعد عربستان و ایران میپردازد.

زن در کشور آفتاب

زن ژاپونی تا ده سال پیش که آمریکاییان بر این کشور دست یافتند هنوز مانند مادر
بزرگهای خود، برکنار از فعالیت‌های اجتماعی و محصور در چهار دیواری خانه میزیست،
جامه (مکونو) میپوشید، کارش خانه داری و پرستازی کودک بود، میبایست بیشتر پسر
برآید، زیرا زایلیدن دختر، شوهر را خشنناک میساخت، طلاق دزدست مرد بود و حق داشت
که کودکان را نیز بپادزندد.

زن ژاپونی حق شرکت در انتخابات و حتی حق سخنرانی در یک اجتماعی که مردان
بودند نداشت. دختر تنها با پذیرش و راهنمایی پدر شوهر میرفت، زن شوهر دار بدون
اجازه شوهر حق دست زدن به هیچگونه هزینه‌ای را و او اینکه پولش را خود بدست آورده
بود نداشت. پس از مرگ شوهر از ارضیه سهمی باو تعلق نمیگرفت شوهر افزوده بر زن رسمی
و قانونی خود میتواند چند زن دیگر از طبقه (گاشاها) (۱) بگیرد.

در سال ۱۹۴۵ ژنرال میناک آرتور فرمانده بزرگ سپاه آمریکایی مقیم ژاپون
ضمن وضع ینکرشته قانونهای گوناگون برای دموکراسی کردن حکومت ژاپون، آزادی
زنان و برابری آنان را از لحاظ حقوق اجتماعی با مردان فراهم ساخت. از آن پس زن
ژاپونی بتندی در راه پیشرفت خود گام برداشت و فعالیت‌های بزرگ اجتماعی برداشت.

درهای اداره‌ها و بنگاهها بروی آنان باز شد، دختران کپرمائند پسران در دانشگاهها

۱- گاشاها یک گونه رؤسپان ژاپونی بودند که از کودکی برای این کار پرورش
میافتند.

بفرا گرفتن دانشهای عالی پرداخته و بسیاری از آموزشگاهها بشکل مختلط در آمد .
زنان در انتخابات سال ۱۹۴۶ دست زدند و ۴ تن نماینده زن به مجلس شورای ملی
راه یافتند .

زن ژاپنی از آن زمان حق پیدا کرد که بزادگاه رود و طلاق بخواند ، برخلاف
گذشته میتواند دوباره شوهر کند و نگهداری کودکان نیز تا ده سالگی با مادران است
اکنون ۴۱ درصد کارمندان دستگاههای دولتی و ملی از زنانند و مانند اروپاییان هم
لباس میپوشند و زندگی میکنند .

زن در نیم قاره هندوستان

تا ده سال پیش از اعلام استقلال و آزادی نیم قاره هندوستان ، روزگار زنان بسیار
اندوهناک بود ، زن هندی بی بهره از همه حقوق اجتماعی در بندهای گرانبار عقاید و
رسوم جا برانه کهن میزیست و از خود هیچ اراده و اختیاری نداشت .

پدر و مادر هندی چون دختری پیدا میکردند اشک حسرت میریختند و حتی برخی از
قبیلهها مراسم سوگواری بر پا میکردند ، همچو دختری که از روز نخست با تحقیر این و
آن و تیزازی پدر و مادر روبرو میشد و در پهنه زندگی هر دم با دشواریها و رنجهای
گوناگون برخورد کرده بود هر سال رنج و شکنجه تازه ای را میدید ، در چهار سالگی
ویرا نامزد میکردند و در شش هفت سالگی بخانه شوهر میرفت ، شوهری که سی یا چهل
سال با او اختلاف سن داشت و تازه این بیچاره دختر خوشبختی بشمار میرفت ، زیرا
بسیاری از دختران که پیشوهر میماندند از پدر و مادر سر کوفت میشیندند و دیگران هم
تحقیرشان میکردند ، بویژه در هندوستان برخلاف کشورهای دیگر ، مردان برای
خواستگاری بخانه دختر نمیروند بلکه پدر و مادر دختر بخانه پسر میروند تا اجازه پیدا کردن
شوهر که بظاهر توفیقی برای دختر بشمار میرفت در حقیقت بردنج و شکنجه او پس از ناشوئی
افزوده میگشت و شوهرش حق داشت مانند یک کنیز با او رفتار کند و هر بلایی که دلش
میکشود بر سر او بیازرد ، همیشه شوهر میزند ، زن را نیز زنده بالاشه شوهر در آتش
افکنده میسوزانند . این وضع حالا در هندوستان دیگرگون گردیده و پیشرفتهای
درخشانی در زندگی زنان هندوستان روی داده است ، دختران هندی دوشادوش پسران
در آموزشگاهها و دانشگاهها درس میخوانند ، زنان مانند مردان در ادارتها و کارخانهها
کار میکنند ، زناشوئی پیش از حد بلوغ قانوناً ممنوع گردیده و اگر کسی زنی را بالایشه
شوهرش بسوزاند سخت بکفر میروند .

زن هندی حق شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت کشور را پیدا کرده نماینده
انتخاب میکند ، هزاران دختر هنرمند هندی از نویسنده ، سخنور ، موسیقیدان ، هنرپیشه
تا تئاتر و سینما و دیگر رشتهها دست به فعالیتهای اجتماعی زده و این پیشرفتهای شایان نیز
در پاکستان نتایج درخشانی پیار آورده است .

تا گفته نمائیم که زنان هند در راه آزادی کشور خود قداکارها و کوششهای فراوان

نموده ، از زندانی شدن و دیدن هر گونه رنج و سختی نهراسیده و بدین مناسبت مهاتما گاندی رهبر در گذشته هند گفته است که : « زنان و مردان همراهان یکدل و یاران يك رنگ همدیگرند » بویژه میتوان گفت که زنان هند در پیشرفت تند کشورشان سهم بزرگی دارند و در هندوستان اینک زنانی هستند که والاترین پایه‌های دستگاه اجتماعی آن کشور را دارند و دارای مسئولیتهای سنگینی میباشند. از زنان نامدار هند یکی بانو (ویجا یا لکشی) رئیس پیشین سازمان ملل متحد و کیسر عالی هند در انگلستان ، دیگری بانو (راجکوماری آمریت کار) وزیر بهداشتی دولت مرکزی هند و نیز بانو (اعجاز رسول) نماینده مجلس هندوستان است .

زن در خاک عربستان

زنان و دختران در سرزمین عربستان جاهلیت روزگار بسیار بدی داشته‌اند دختران در دیده پدران و زنان در برابر شوهران آفریده ناتوان و بی بها و کالای درخور خرید و فروش بوده‌اند . پدران ، دختران بیگناه را زنده بگور میکردند و سر انجام شماره مردان بر آنان بیشتر شده هر زن چند شوهر داشت و شناختن پدر نوزاد دشوار مینمود . این دختر کشی نشان میدهد که مرد همه کاره بوده و زن هیچگونه حقی نداشته است . تازیان دختر داشتن را شوم و تنگ و گناهی میدانستند . پیغمبر اسلام نه تنها زن را از این مرگ اندوهناک رهایی بخشید بلکه باو حق زندگی همگانی و اخلاقی داد تا آنجا که در بیشتر حقوق با مرد برابر گردید .

آئین اسلام نظام خانواده را پایه نظام ملت و زن را پایه نظام خانواده دانسته ، پیشروی و واماندگی عقلی و فکری اجتماعی ملت را در پیشروی و واماندگی عقلی و فکری زن شناخته و گفته است : زن ترازی خانواده میباشد ، تباهی و بهبود زن ، تباهی و بهبود خانواده است . باور نمیتوان کرد خومی خواه خوب یا بد در ملتی باشد و نمونه آن خوی زشت یا زیبا در درون خانواده‌ها یافت نشود . پس پیشرفت زنان پیشرفت جامعه است و بهبود اخلاقی آنان مایه بهبود اخلاقی آن قوم خواهد بود .

زن نه تنها در درون خانواده عامل مؤثری بشمار میرود بلکه میتواند در گردش چرخ زندگی و کارهای اجتماعی همکاری کند . اگر اینگونه نباشد باید گفت عقل و هوش و هر شعوری که خداوند مائند مرد به زن داده است بیهوده میباشد . خداوند در قرآن مجید میفرماید : از نفوس شما برایتان جفت هائی آفریده‌ام . ای مردم بپرهیزید خدائی را که شما و زنانتان را از خمیره یگانه آفریده است (ومن آیاته ان خلق لکم انفسکم ازواجاً یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد و خلق من زوجها) . زن اگر پرورش نیافت و رهبری نداشت استعداد و غریزه‌های خود را بکارهای بی بها و خرافی تباه خواهد ساخت . زنان در آغاز اسلام در مصالح عامه دست داشتند و بسیاری از آنان بخدمت دانش و ادب همت گماشتند . ام عطیه گوید : در هفت جنگ با پیغمبر بوده‌ام و برای سپاهیان اسلام خوراک می‌بختم و زخمیان را پرستاری میکردم ، آری زن مسلمان در آن روز همان کاری

را میکرد که امروز زن فرنگی مینماید .

ذیانت اسلام گرامی شمردن دختران را سفارش کرده و بوسه دادن پیامبر بردست خاطمه یا رکاب گرفتن اوزنان را هنگام سوار شدن بر اسب و مانندهای آن برای این بوده که دختران و زنان را در دیده پدران و شوهران محترم سازد . در زناشویی عقوق زن و مرد را مساوی شناخته ز مقررداشته است همچنانکه بر زنان است بشوهران نیکی کنند شوهران نیز باید همانگونه رفتار نمایند (ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف و بالمعروف)

پیغمبر فرموده است: «خوش رفتاری کنید با زنان. ایمان کسی کافتر از دیگران است که خوشخوتر و به زن خوشتر رفتارتر باشد. چیزهای خودتان را برای زنان بخواید و برای زنان به خیر و نیکی سفارش کنید» (اکمل المومنین ایماناً احسنهم خلقاً و العطفیم باهله خیار کم انساکم استوصوا بالنساء خیراً)

همچنین از پیغمبر است که پدران هر چیزی میخرند و بخواهند میبیرند نخست باید به دختران بدهند. زن در خور احترام است. کسی او را اهانت نمیکند مگر فرومایه و پست باشد (ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لئیم)

باری، آئین اسلام کشتن دختران، زناشویی با زن پدر، فشار بر زن را برای بخشیدن صدق خود منع کرده و به زن حق ارث از پدر، شوهر، برادر، خواهر، فرزند و نویشان دیگر را داده است. به پدر و مادر و دایه، بویژه مادر بسیار توجه کرده (الجنة تحت اقدام الامهات) و بر روی این پایه که (الولد سراپیه) و (الشقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی بطن امه) بر آن است که فرزند خوی پدر و مادر را بپرورش میدهد و همه این سفارشها برای آنست که فرزندان رشید و صالحی پرورش یابند، خانوادهها و جامعهها با همکاری مرد و زن و بسط عدالت و آسایش در همه جا قربن خوشبختی و سعادت شوند.

زن در ایران باستان

زنان ایرانی در این زمان شخصیت اجتماعی و حق ورود در کارهای حقوقی را نداشتند و مرد به تنهایی همه کاره بود. مرد میتواند چند زن بگیرد مگر تهیدست باشد و بداشتن همان یکزن بر گزار کند ولی زناشویی توانگران اندازه نداشت، زن اصلی را شاهزن میگفتند و همسران دیگر بیشتر از کنیزان زر خرید و اسیران جنگی بودند. بر مرد بود که گذران شاهزن را در سراسر زندگی فراهم سازد. دختر و پسر شاهزن نیز همین حال را داشتند. دختر در برگزیدن شوهر حق چون و چرا نداشت و نمیتوانست بدلتخواه هر مردی را بدون رضایت پدر برگزیند و همسر خویش نماید.

در ایران باستان حفظ نژاد و قومیت برای همه مردم واجب بود. ایرانیان در نگاهداری نسب و شجره خانوادگی تعصب داشتند و نیگداشتند خون آنها با خون بیگانگان بیامیزد. پرورش دینی و اخلاقی فرزندان بر دوش مادر بود، پس از مرگ شوهر سرپرستی فرزندان را مادران یا نزدیکترین خویشان پدردارا میشد و حقوق پدر بر دختر

پس از رفتن اوبخانه شوهر از میان میرفت زن در ایران پس از اسلام

حدود زندگانی و فعالیت زنان ایرانی که در زمان ساسانیان محدود و مغشوش شده بود بر اثر مسلمان شدن ایرانیان در ۱۴ قرن پیش و بسط اصول برابری و آزادی و برادری و دادگتری که آئین اسلام با خود آورده بود توسعه یافت و زن ایرانی تحت تأثیر تعلیمات عالییه اسلام که تساوی حقوق اجتماعی و ازدواج زن و مرد را اعلام داشت آزادی بیشتری پیدا کرد و توانست با هوش و استعداد فراوانش بهمکاری با مردان بیش از پیش همت گمارد، دوشادوش شوهران بویژه در کارهای کشاورزی و صنایع دستی افزوده بر خانه داری و پرستاری کودکان کار کند و برآستی چنان در این راه پیش رفت و در انجام کارهای همگانی از خود شایستگی و شخصیت نشان داد که مورد گواهی و تحسین بیگانه و آشنا قرار گرفت بویژه در فعالیت‌های پرورشی و هنری از مردان پیشی جست. همچنین زنان ایرانی در کشور داری و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز شرکت جسته با وجود عدم توافق روحی و اخلاقی آنان با انجام چنین فعالیت‌هایی که جنبه خشونت و سخت گیری دارد و بویژه مردان است باز بخوبی از عهده بر آمدند. از جمله آنان سیده همسرفخرالدوله دیلمی است که پس از درگذشت شوهرش سالها بر مرکز و باختر ایران فرمانروایی میکرد. ملکه قرآختامی پادشاه خاتون که چندین سال فرمانروای کرمان بود چون مایه سخنوری داشت سرگذشت او بتفصیل با نمونه‌ای از اشعارش در دفتر اول این تذکره جزء (بندپ) نوشته شده است. ملکه ترکان همسر ایل ارسلان بن استر خوارزمشاهی که پس از مرگ شوهر سالها حکومت میکرد. ملکه ترکان همسر سعد بن ابی بکر سعدزنگی که پس از مرگ شوهرش با جلب موافقت دربار مغول فرزند خردسالش را بظاهر پادشاه فارس کرد ولی در واقع خود او همه کاره بود. ملکه سلجوقی دختر طغرل همسر اتابک که مدتها در دفاع از تبریز، سلطان جلال الدین ملکشاه را پشت دروازه‌های آن شهر سرگردان کرد. سلطان رضیه دختر شمس الدین ایلخانی که با وجود داشتن چند برادر، پدرش او را از لحاظ شایستگی بجانشینی خود برگزید.

ناگفته نباید گذاشت که پیش از اسلام هم در ایران باستان زنانی مانند هما و آذر میدخت و پوزاندخت و غیره پادشاهی کردند و نیز زنان دیگری چون شیرزن گرد آفرید مرزدار ایران بوده در برابر تاخت و تاز تورانیان داد دلآوری و سلحشوری داد. همچنانکه مردان ایران زمین با دست یافتن بر دستگاه حاکمه اسلام، مدتها چون بر مکیان و برادران فضل، زمام امور کشورهای اسلامی را در دربار هارون و مأمون خلیفه‌های عباسی در دست داشتند و نه تنها از جهت سیاسی و کشورداری و پایه‌گذاری تمدن اسلامی بلکه از لحاظ علمی و ادبی و هنری بزرگترین خدمت‌ها را بجهان اسلام نمودند و دانشمندان بزرگی مسانند ابن سینا علوم اسلامی را بوجود آوردند و بعد هم با وجود آنکه ده ست سالی ایران تحت سلطه و حکومت تازیان بود و زبان رسمی ایران لسان

عرب شد باز زبان پارسی بر اثر همت مردان والا پایه ای مانند ابو حفص سفیدی و عباس مروزی و حنظله بادغیسی و فیروز مشرقی و ابوسلیک گرگانی و محمد بن وصیف و ابوالمؤید بلخی و ابوالحسن شهید بلخی ورودگی و دقیقی و غیره زنده شد، زنان ایرانی نیز در این راه سهمی دارند و کارهایی نمودند که از جمله رابغه قزداوی است که شرح حال و اشعار او در (بندر) دفتر اول این تذکره آمده است.

پیش از پرداختن به معرفی زنان و تأثیر آنان در شعر و ادبیات فارسی، ناگفته نمیگذارد که زنان ایرانی در رشته های قضائی و حقوق نیز داد شایستگی دادند و پایه والای اجتهاد یا اصطلاح امروزه کنترای در حقوق رسیدند بانو فاطمة الفقیه دختر دانشمند و فقیه میانند سده ششم هجری علاءالدین محمد بن احمد سمرقندی مؤلف کتاب معروف تحفه الفقهاء است که چندی در کاشان اقامت داشت و بعد با پدر و شوهرش علاءالدین ابوبکر کاشانی بعلب رفت. دیگری بانو آمنه بیگم دختر ملا محمد تقی مجلسی و همسر ملا محمد صالح مازندرانی است در آغاز سده یازدهم هجری که همپایه علماء بزرگ زمان خود بشمار میرفت.

در رشته عرفان نیز زنان ایرانی دست داشته اند که از جمله ناموران این زنان عارف در گذشته فاطمه نیشابوری است که مورد ستایش بایزید بسطامی و ذوالنون مصری قرار گرفت و دیگری زبیده معروف به رشته متخلص به جهان دختر فتحعلیشاه قاجار که سرگذشت و سروده های او در بند (ج) دفتر اول این تذکره نوشته شده است. در زمان نزدیک هم پروین اعتصامی و بانو نشاط (شمس) و غیره است که از سرگذشت و تراویده های ایشان بتفصیل در این تذکره یاد شده و از زنان سخنور دیگری هم که جنبه عرفانی داشته اند نیز اشاره گردیده است.

در هنرهای زیبا مانند نقاشی و خوشنویسی و موسیقی و ابریشم دوزی و گلدوزی و مانند های آنها زنان ایرانی داد استادی داده و پایه والای هنری ایشان را در هر قسمت میرساند و بانندازه ای زیاد هستند که ذکر شرح حال و آثار یکایک آنان بدرآزا خواهد کشید و چون نمونه های بسیاری از ایشان در این تذکره آمده است بهمین اندازه در اینجا بر گزار میشود.

اما در رشته شعر و ادب همانگونه که فردوسیها ادبیات فارسی را پایه گذاری کردند و سعدیها و حافظها با استفاده از اختلاط زبان فارسی و تازی، فصاحت ادبیات فارسی را بسرحد کمال رسانیدند زنان ایرانی هم کوتاه نیامده در این راه نیز با مردان همسکاری کردند و خوانندگان ارجمند با بررسی آثار رابعه و مهستی و پروین اعتصامی و زنان سخنور دیگر که در این تذکره بتفصیل آمده است آگاهی یافته و گواهی خواهند فرمود که زن ایرانی نیز بسهم خود در ادبیات فارسی تأثیر شایانی داشته و در حالیکه از ترس ملانمایان و خرافاتیان برخلاف نص صریح دستور اسلامی که زن و مرد را بفرافتن علم و ادب سفارش کرده است (العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة) از باز شدن آموزشگاههای زنانه

چلوگیری میکردند و زنان در چهار دیواری خانه زندانی بودند باز از کوشش و تلاش خویش در راه کسب دانش و گستردن آن فروگزاری نکردند.

زن در ایران امروز

این محدودیت تا پایان زمان استبداد ادامه داشت ولی از پنجاه سال پیش که ایران کشور مشروطه گردید و اصول دموکراسی در کشور ماراها یافت و بویژه در هفدهم دی ماه ۱۳۹۴ بهمت شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر، تساوی حقوق زن با مرد اعلام گردید و زنان در آزادی در ادارات و دستگاههای دولتی و ملی دست بکار گردیدند. جنبش بزرگی در جهان زنان پدیدار گردید و زنان چنان پیشرفتی کردند که امروز نه تنها زنان سخنور بسیاری وجود دارند بلکه زنان دانشمند و هنرمند در هر رشته‌ای دیده میشود که دوشادوش مردان کار میکنند.

بالغ بر ۲۵ جمعیت زنان در ایران تشکیل یافته که در فعالیتهای گوناگون اجتماعی و امور خیریه و عام المنفعه و بهداشتی و تربیتی و علمی و هنری کوشش مینمایند و بر آنند که افزوده بر اینکه بزنان در شرکت انجمنها و شهرداریها حق رأی و عضویت داده شده در انتخابات پارلمانی هم مانند سایر کشورهای اسلامی و آسیائی چون ترکیه، لبنان، اندونزی، هندوستان، چین، ژاپون و غیره موجبات شرکت زنان را نیز فراهم سازند و هر ساله هم از طرف این جمعیتها جشن باشکوهی بتناسبت روز تاریخی ۱۷ دی با حضور علیاحضرت ملکه ثریای پهلوی میگیرند. طبق گزارشی که در جشن ۱۷ دی سال جاری خوانده شد ۴۶ تن از زنان بیابانه استادی و دانشیاری و دبیری دانشگاه تهران سرفراز شده و نخستین آنان شادروان بانو دکتر فاطمه سیاح بوده که دو کرسی استادی در دانشگاه داشت و از دانشگاههای روسیه و شورویون فرانسه سه دانشنامه دکتر داشت و در بیشتر کنفرانسها و مجامع بین المللی زنان شرکت میکرد و امروز عده بالنسبه قابل توجهی زن هست که در رشتههای ادبی و حقوق و تعلیم و تربیت دارای پایه دکترای و لیسانس میباشند.

همچنین یک هزار و سیصد تن دبیر و ۱۰۴۰۵ تن آموزگار زن در دبیرستانها و دبستانها - سی هزار تن دوشیزه در دبیرستانها و ۶۸۰ تن در دانشگاه تحصیل میکنند. زنان ایرانی از نظر قوانین در ایران توفیقهائی یافته اند چنانکه در نخستین قانون انجمنهای شهر مصوب سال ۱۳۲۸ خورشیدی و نیز در انتخابات اتاق بازرگانی هیچگونه مانعی برای برگزیدن زنان در میان نیست. در قانونهای کار و بیمه هم برای زنان در برابر کار مساوی مزد مساوی پیش بینی شده است.

علی اکبر - مشیر سلیمی



فاطمه خراسانی

تذکره های عرفات و روزروشن مینویسند که فاطمه از مردم خراسان ، زیست سخن سنج و نکته شناس و شعر های خوب دارد . از آن جمله اشعار زیر است

آراسته باغ و عندلیبان سر هست
یاران همه از نشاط گل باده پرست

اسباب فراغت همه در هم زده است
بشتاب که جز تو هر چه میباید هست

ای از تو وفا و مهربانی نایاب
بی عیش تو لذت جوانی نایاب

وصل تو حیات جاودانی لیکن
یا بنده آب زندگانی نایاب

تاریخ جهانگشای جوینی در جلد اول صفحه ۲۰۰ دوربای بالا را از فاطمه خراسانی ضمن شرح حالی که از او نوشته است آورده ولی در فرد نخستین رباعی اول بجای عندلیبان (بلبلانی) و در فرد چهارم رباعی دوم نیز بجای یا بنده (مانند) ذکر کرده و اینک شرح حال فاطمه خانوم :

« بوقت استخلاص موضعی که مشهد مقدس علی الرضا علیه افضل الصلوة و التحیه در آنجاست او را به اسیری آوردند بقراقروروم (۱) افتاد و در بازار آن دلاله بود در فنون ذکا و زیرکی دلالة محتاله شاگردی او را شایستی و بهر وقت در عهد دولت قآن^۱ او را در اردوی توراکینا خاتون (۲) آمد شیدی بودی چون حال دیگرگون شد و اشیرجنیقای (۳) پای ازمیان بیرون نهاد قربت او زیادت گشت و تمکین او بغایت

(۱) نام شهری که او کنای قآن ساخته است

(۲) مسراو کنای قآن .

(۳) مردی بود ترسا و از ناموران دستگاه او کنای قآن چون هنگامی کیو کهمان

در رسید بواسطه اینکه جنیقای مزین وی بود بیایه وزارت رسید

انجامید چنانکه محرم اسرار اندرونی و محل رازهای نهانی شد ، از کلن از کارها محروم شدند ، دست او در اوامر و نواهی گشاده شد و بزرگان اطراف به حمایت او توسل مینمودند خاصه بزرگان خراسان و جمعی از سادات مشهد مقدس نزدیک او رفتند که در زعم او آن بود که سلاله سادات کبار است و چون خانی بر کیو کخان قرار گرفت سمرقندی بود می گفتند علوی است شیره نام شرابی قداق (۱) اوفاطمه را غمز کرد که کوتان را سحر کرده است تا چنین معلوم شد چون کوتان بازگشت و رنجوری که داشت زیادت شد ایلچی بنزدیک برادر خود کیو کخان فرستاد که استیلائی عات نتیجه سحر فاطمه است .

اگر حالتی حادث شود قصاص از او طلبید . در عقب آن خبر پیغام وفات کوتای برسید و جنیقای تمکن یافته بود این سخن و پیغام را تازه گردانید و باستحضار فاطمه بنزدیک مادر ایلچی فرستاد مادر بر رفتن او رضا نداد بعزت آنک در مصاحبت خود میآورد و بچند نوبت دیگر هر نوبت دفعی دیگر داد

از این سبب مزاج او با مادر نیز بغایت بد شد و سمر کنت (۲) را باز گردانید تا اگر در فرستادن فاطمه تعویقی اندازد و دفعی گوید به تکلیف بیاورد . چون مجال عذر نماید فاطمه را بفرستاد و او نیز رحلت کرد در عقب بعدها که فاطمه را با او معارضه کردند روزها و شبها برهنه و بسته و تشنه و گرسنه داشتند و انواع تکلیف و تشدید و تعنیف و تهدید تقدیم میکردند تا عاقبت کار تصدیق افترای غمازه‌ماز کرد و بتزویر او اعتراض آورد منافذ علوی و سفلی او بردوختند و در آب انداختند .

یکی را بر آری و شاهی دهی پس آنکه بدریا بهاهی دهی

و هر کس که بدو تعلق داشت در معرض هلاکت افتاد و ایلچیان فرستادند بطلب جماعتی که از مشهد آمده بودند و دعوی قرابت او میکردند و بسیاری زحمت مشاهده کردند آنسال بود که کیو کخان نیز بر عقب پدر روان شد . علم خواجه

(۱) قداق نویسن و زیر کیو کخان بن او کتابی تا آن بن چنگیز خان است .

(۲) مقصود همان سمرقندی علوی میباشد که شیره نام بود .

ایمبلی (۱) شیر را بهمین تهمت متهم کرد که خواجه را سحر میکند شیر نیز در بند
وقید افتاد و قریب دو سال محبوس بماند و از انواع مطالبه و مسئله از لذت زندگانی و
عمر مأیوس شد و شیر چون باز شناخت و حقیقت بداندست که این عقوبات هذبه بضاعتنا
ردت الینا است دل خویش بر مرگ خوش کرد و تن بر ضای قضا و قدر در داد و بگناه
ناکرده اقرار آورد او را نیز در آب انداختند و زنان و فرزندانش ویرا بر شمشیر
عرض دادند.

نیارا بکشت و خود ایدر نماند جهان نیز منشور او بر نخواند

(۱) پسر کیو کغان است از اقوال قزاقش خاتون .

فاطمه سلطان خانم

این بانوی سخنور و با دانش و فرهنگ دختر حاج میرزا حسین نواده شادروان سید ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و وزیر دانشمند تاریخی ایران در زمان محمدشاه قاجار است که در ششم رجب ۱۲۸۲ هجری پای به جهان هستی گذاشت و بسال ۱۳۰۰ هجری عموزاده خود میرزا محمود پسر میرزا احمد را یافت .

در ادبیات فارسی و تازی و تاریخ آیین سخنوری بیابیهی رسید که محمود میرزا گرد آورنده کتاب (نقل مجلس) گوید بویژه در سرودن شعر فارسی میتوان آنرا مانند (خنساء) آن زن سخنور نامدار تازی دانست .

نامبرده در ستایش کتاب (خیرات حسان) تألیف محمد حسنخان اعتماد السلطنه که همزمان او بوده چکامه شیوائی ساخته است که بخوبی پایه دانش و بلندی اندیشه و پرمایگی او را میرساند . برادر بزرگترش میرزا محمد سادق پروانه نیز هنردانشمندی بوده است . اینک چکامه فاطمه سلطان خانم :

چو آفتاب بیدار شد اگر بکچند	نهفته بود هنر در زنان دانشمند
هنر خلیفه فرزند باشد انسان را	همی بیاید کز زن بزاید این فرزند
بنات حوا اگر با کمال و معرفتند	سر سپهر در آرند بر بزم گمنند
زنان مثابه روحند و نوع مردان جسم	ز جان روشن باشد همیشه تن خرسند
ای آنکه طعنه زنی بر کمال و فضل زنان	بمال دیده که چهلت بسر خمار افکند
یکیست ناخن و چنگال شیر ماده و نر	یکیست لعل بدخشان بتاج و گردن بند
مگر نه حضرت صدیقه دخت پیغمبر	فکند بالش رفعت فراز چرخ بلند
مگر نه مریم با نفس خود مجاهده کرد	سپس مراورا با روح قدس شد پیوند

مگر نه آسیه شد درخشوع بیمتسا
 مگر نه زبا خون جذیمه ریخت بعاك
 اگر به تائیت از قدر مردمان میکاست
 زنان فراخور مدحند و لایق تمجید
 بوبره شوی پرستان با خرد که شوند
 خداشناس و نصیحت پذیر و شوی پرست
 نه هر که مقننه بر سرفکند شد با نو
 زنان با هنر الحق سزد که فخر کنند
 نکاشت میرا آجلی (اعتماد السلطنه) نغز
 درونکاشت تمام سی زنان فاضله را
 تبارك الله از آن مهر بیهمال که تاخت
 بعقل و دانش مهتر زخواجه کندر
 کهیکه خلقتش آرد هوای فروردین
 ز نقطه رقمش بهر دفع عین کمال
 دعاش گویم باری چنانکه ای باری

اندر زبده دختر

بمن ده گوش را اید دختر من
 بکن بند مسرا آویزه در گوش
 اگر خواهی بیارایی رخت را
 بگو مشاطه عصمت بیاید
 بکیسو پیچ و خم ده از دقایق
 بکش بر دیده ات سرمه ز آرم
 بکنج لب بنه خصال ادب را
 بصابون حیا دست و رخت شو

مگر نه رابعه بد درخشوع بیمتسا
 مگر نه لیلی مجنون خودفکند به بند
 خدا به شمس نمیخورد در نی سو کند
 که امهات کمالند و مستحق پسند
 پیش شوهر خود همچو شیر نربکنند
 خدا از ایشان خشنود و بزرگان خرسند
 نه هر چه شیرین باشد بود شکر و قند
 از این صعیفه که شد خوشتر از صعیفه زند
 یکی رساله زمشک ختن بساده پرند
 نمود نام زنان را چو طبع خویش بلند
 فراز کنید گردون ز فرط فضل سمند
 بفضل و دانش برتر ز صاحب میمند
 ز خاک لاله دهد گاه بهمن واسفند
 خرد بسوزد در معجمر کمال سپند
 به دور دهر ازو دور دارد در دوگزند

بگانه دختر نیک اختر من
 مبادا گرددت روزی فراموش
 دهی زینت جمال فرخت را
 ز عفت بر تو آرایش نماید
 بکش و سسه با برو از حقیق
 بنه بر عارضت گلگونه از شرم
 مکن بین خود بخنده با لب را
 بزین آب از کمال و عقل بررو